

باسنپ‌بک چه باید کرد؟

سیداحمد حسینی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

سرانجام پس از ماه‌ها کشمکش دیپلماتیک، سه کشور اروپایی با توسل به سازوکار ماشه، تصمیم خود برای بازگرداندن قطعه‌نامه‌های تحریمی خود علیه ایران در شورای امنیت را عملی کردند. این موضوع زمینه پیدایش مباحثات گوناگونی شده و دیدگاه‌های متفاوتی در مورد فقدان دلایل قانونی و عدم مشروعیت آن انجام شده است. نظر به اهمیت موضوع، ابتدا مبانی غیرقانونی بودن این اقدام و آثار و پیامدهای غلبه سیاست و قدرت بر روندهای قانونی و حقوقی که دولت کنونی آمریکا، پرچمدار آن است، تشریح می‌شود و در ادامه به آنچه از ولت‌مردان و آحاد جامعه برای صیانت از منافع و امنیت ملی ایران انتظار می‌رود، اشاره می‌شود؛ طبق مواضع حقوقی مصرح، موکد و مکرر چین، ایران و روسیه یعنی دو عضو دائم شورای امنیت و سه عضو برجام و برخی دیگر از اعضای غیردائم شورای امنیت، کشورهای غربی الزامات استفاده از سازوکار اسنپ‌بک مصرح در قطعنامه ۲۲۳۱ برای بازگرداندن تحریم‌های قبلی شورای امنیت علیه ایران را رعایت نکرده‌اند.

از نظر این کشورها، جلسه دزیرط شورای امنیت یک سوء استفاده ابزاری آشکار از نهاد مذکور بوده و آنچه از آن به عنوان تصمیم آن جلسه یاد می‌شود، هیچ مبنای قانونی نداشته و باطل و بلااثر و فاقد هر گونه پیامد حقوقی الزام‌آور برای اعضای سازمان ملل متحد است. بنابراین، از نظر حقوقی، اسنپ‌بک انجام شده و تحریم‌های شورا علیه ایران اعاده نشده است.

در نتیجه، هیچ یک از دولت‌های عضو سازمان ملل نیز نباید تحریم‌های ادعائی را اجرا کنند چراکه چنین اقدامی نقض ماهوی تعهدات آنها تحت منشور ملل متحد خواهد بود. آنچه امروز از سوی آمریکا دنبال می‌شود بی‌اعتنایی به سازوکارها و نقض آشکار اصول و قواعد بین‌المللی و پیشبرد منافع خود ذیل دیدگاه «ایجاد صلح از طریق قدرت» است که با تهدید و توسل به زور تلاش دارد کشورها را به تبعیت و گردن نهادن به خواست‌های غیرقانونی و زیاده‌خواهانه خود، وادار کند.

اما ذات و ماهیت این سیاست نه «ایجاد صلح» و نه حتی «تحمیل صلح» بلکه عملاً «جنگ علیه صلح» است که با سوء استفاده آشکار از مفهوم مشروعی چون صلح انجام می‌شود و کشورهای گوناگون را به کوتاه آمدن در برابر خواست‌های آمریکا مجبور می‌سازد. در حقیقت، هدف اصلی تحکیم و نهادینه ساختن سلطه و وادارکردن دیگران به تمکین در برابر ابتکارانی مانند «پیمان ابراهیم» و اخیراً طرح به اصطلاح «صلح آمریکائی – اسرائیلی برای غزه» است که نکته‌ها و عبرت‌های فراوان دارد و در جای خود می‌توان به واکاوی ابعاد آن پرداخت، اما اگر به موضوع بحث برگردیم کشورهای اروپائی تحت مدیریت آمریکا، مبادرت به استفاده ابزاری از سازوکار ماشه در موضوع هسته‌ای ایران کردند.

مسیری که طی شد نمایان ساخت، آنها به هیچ پیشنهاد و راهکاری که می‌توانست به توافقی مرضی طرفین و عادلانه بینجامد، توجه نکرد و با کینه‌توزی و لجاجت آشکار، راه تقابل و تهی ساختن ایران از هر آنچه وسیله دفاع از امنیت و تمامیت ارضی کشور بود را دنبال کردند. به عبارت ساده‌تر، آنها با فرض یافتن فرصتی تاریخی برای به زانو درآوردن ایران، تنها به تسلیم و خلع سلاح و تجزیه ایران راضی می‌شدند. طبیعی بود که این زیاده‌خواهی و خصومت آشکار آنان با هیچ عقل و منطقی سازگار نیست و کشور در مقابل آنان ایستاد. شرایط جاری نشان می‌دهد که دشمنان دوره جدیدی از تقابل همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و امنیتی با ایران را آغاز کرده‌اند. ارزیابی این وضعیت، مستلزم واقع‌گرایی و دقت در محاسبه دقیق شرایط، تحلیل درست و به دور از افراط و تفریط همه ابعاد موضوع و یافتن راه حل‌های منطقی و کارآمد و به‌هنگام برای مدیریت شرایط است.

باید توجه داشته باشیم مثل هر تحول دیگری، وضعیت به وجود آمده در کنار تهدیدات و مخاطرات آن، برخی فرصت‌ها را واجد است که باید برای بهره‌مندی از آنها نیز تصمیم‌گیری به‌هنگام داشته باشیم. در این راه، حفظ هوشیاری حداکثری، اجتناب از غفلت و مراقب اقدامات غافلگیرانه دشمنان بودن، یک اصل خدشه‌ناپذیر است و عملیات روانی دشمن با هدف ضربه‌زدن به باور و آرامش فکری جامعه و تلقان ناامیدی و یاس یکی از ستون‌های مهم رفتار آنان بوده و خواهد بود.

ایستادگی ستودنی و استطره‌ای ملت هوشیار ایران در جریان حماسه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، تدارک همه‌جانبه نظامی و عملیات روانی گسترده دشمن را خشن ساخت، با این وجود، آنها از اهداف شوم خود دست نخواهند کشید و به اقدامات خصمانه خود ادامه خواهند داد و همین امر برنامه‌ریزی دقیق و گسترده ما برای مقابله با طراح‌های متنوع آنان را مستلزم است.

در کنار تقویت آمدادی نظامی و دفاعی ایران که پیش شرط حیاتی در همه اعصار و زمان‌ها و خصوصاً شرایط کنونی یعنی وضعیت سیال بین‌المللی و تشدید منازعات ژئوپلیتیک در اقصی نقاط جهان و خصوصاً منطقه حساس خاورمیانه است، انسجام ملی و اتحاد ملت بنیادی‌ترین عامل بازدارنده در مقابل تهدیدها و شرارت‌هاست. حفظ این مزیت بزرگ تحت هدایت مدبرانه و مقتدرانه رهبری معظم انقلاب و تلاش مددانه دولت برای رسیدگی به شرایط زندگی و معیشت مردم از عوامل مهم حفاظت و صیانت از منافع ملی در شرایط کنونی است. با تمسک به ریسمان لایزال الهی و تکیه بر اصول عزت، حکمت و مصلحت، باید شرایط را به گونه‌ای پیش برد که دشمن از خیال امکان دستیابی به اهدافش از طریق تهدید و فشار مایوس شده و بفهمد که تنها راه تعامل با ایران، تجدیدنظر در روش تحکمی خود و توجه به خواسته‌های این ملت بزرگ است. این امر از جمله مستلزم دیپلماسی هوشمندانه، خلاق و ابتکاری نیز هست تا از فرصت‌ها و امکان‌های که فراهم می‌شود نهایت بهره را ببرد و قدرت مانور و چانه‌زنی کشور را بالا ببرد.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مقابله با تحریم‌ها

نیازمند تلاش

دیپلماتیک

مقابله با تحریم‌ها نیازمند تلاش دیپلماتیک است

مذاکره نه تابو است و نه مقدس

آرمان ملی – احسان انصاری: کنشگری ایران در دوران پساماشه باید دارای چه مختصاتی باشد؟ آیا همچنان درهای دیپلماسی برای لغو تحریم‌ها باز است و یا شرایط به سمت تنش‌های بیشتر حرکت خواهد کرد؟ آیا میزان تاب‌آوری اقتصادی مردم به شکلی است که بتوان چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای در این زمینه مشاهده کرد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. بهشتی پور معتقد است: «با توجه به شرایط فعلی بعید است که ایران بتواند بار دیگر مانند سال ۱۳۹۵ این قطعه‌نامه‌ها را لغو یا تعلیق کند. چنین نتیجه‌ای دست‌کم در دوران حاکمیت دونالد ترامپ تا سه سال آینده

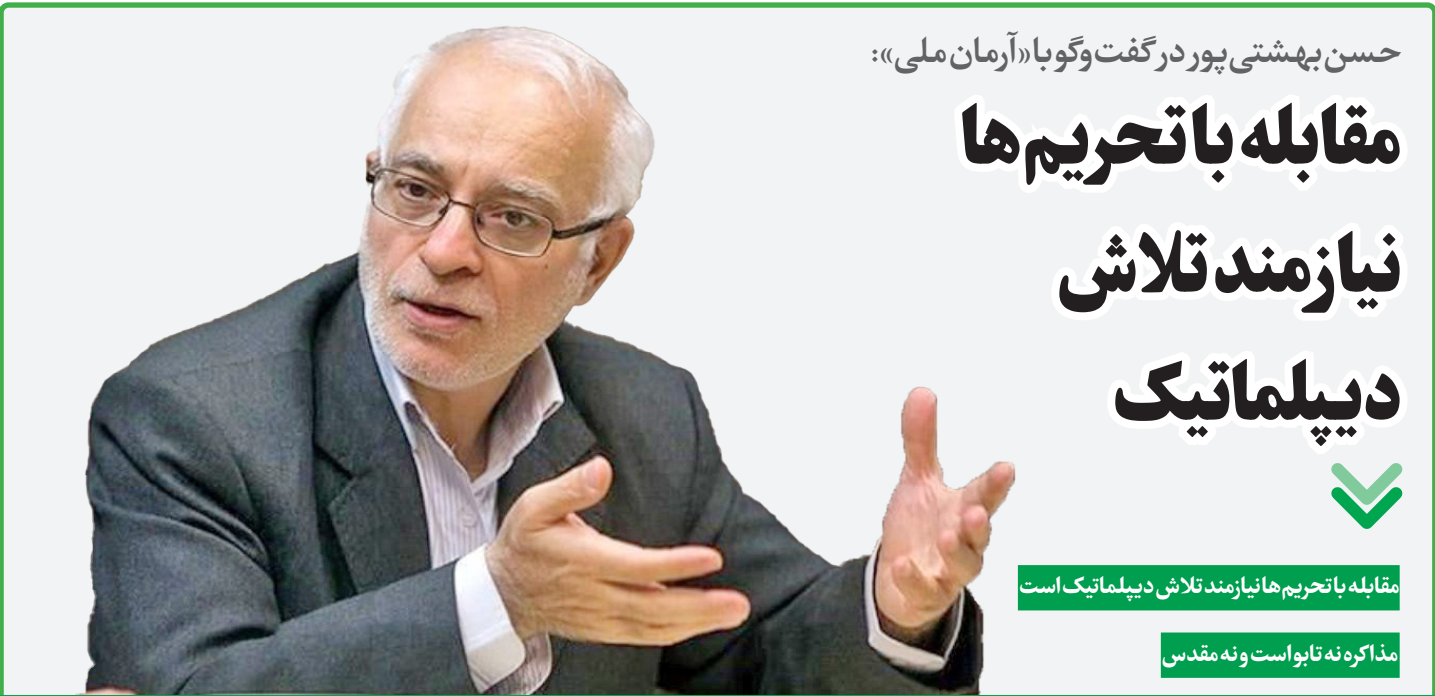
بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران چه تأثیری بر معادلات اقتصادی و سیاسی در ایران خواهد داشت؟

بازگشت رسمی تحریم‌های شورای امنیت آثار متفاوتی در حوزه‌های اقتصادی دارد. اگرچه برخی از قطعه‌نامه‌ها در سال‌های گذشته عملاً کارکرد خود را از دست داده بودند، اما فعال شدن دوباره آنها جنبه نمادین و سیاسی مهمی دارد و می‌تواند شرایط را برای اجرای تحریم‌های ثانویه آمریکا و اروپا مهیاتر کند. تشدید محدودیت‌ها در دسترسی به بازارهای مالی و بانکی بین‌المللی، کاهش صادرات نفتی و غیرنفتی و اختلال در واردات کالاهای اساسی به دلیل مواضع بیمه‌ای و پرداخت از جمله مهم‌ترین چالش‌های خارجی این وضعیت است. از سوی دیگر افزایش فشار بر بازار ارز و رشد تورم ناشی از کاهش درآمد‌های ارزی و تشدید انتظارات تورمی از جمله مهم‌ترین پیامدهای داخلی بازگشت تحریم‌ها است. تجربه نشان داده که این حوزه بیشترین تأثیر روانی را بر جامعه دارد. فرار سرمایه‌های داخلی و توقف ورود سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل ریسک حقوقی و مالی و محدودیت جدی در انتقال فناوری و قطعات مورد نیاز صنایع کلیدی مانند نفت، خودرو و فناوری اطلاعات از جمله دیگر پیامدهای بازگشت تحریم‌هاست که می‌تواند رشد صنعتی را کند و وابستگی به واردات را تشدید کند. فشار تحریم‌ها پیش از همه بر طبقات متوسط و ضعیف جامعه اثر می‌گذارد. افزایش فقر، کاهش اشتغال و اکت رفاه عمومی، تهدیدهایی جدی در سطح اجتماعی ایجاد می‌کند که می‌تواند پیامدهای سیاسی داخلی نیز به همراه داشته باشد. نکته مهم اینکه مقابله مؤثر با این وضعیت تنها در عرصه اقتصادی امکان‌پذیر نیست و نیازمند چارچوبی سیاسی و دیپلماتیک است.

در شرایطی که زمینه‌های مذاکره فراهم نیست چگونه می‌توان از نظر دیپلماتیک وضعیت را تغییر داد؟

اگرچه سازوکارهای حقوقی بین‌المللی غالباً در اختیار قدرت‌های غربی است، اما پیگیری پرونده‌ها در نهاد‌های بین‌المللی می‌تواند حداقل جنبه تبلیغاتی و مستندسازی حقوقی داشته باشد. گسترش روابط با کشورهایی چون روسیه، چین، هند و اعضای بریکس فرصتی برای ایجاد شبکه‌های تجاری و مالی جایگزین است. با این حال، باید توجه داشت که این کشورها در نهایت منافع خود را دنبال می‌کنند و تکیه صرف بر آنها خطای راهبردی خواهد بود. من معتقدم حتی در صورت همراهی اروپا با آمریکا باید کانال‌های ارتباطی باز نگه داشته شود تا امکان کاهش فشارها در آینده وجود داشته باشد. بازگشت قطعه‌نامه‌های شورای امنیت چالش‌های اقتصادی و سیاسی جدی برای ایران ایجاد می‌کند اما میزان اثرگذاری آن به نحوه مدیریت داخلی و دیپلماسی خارجی بستگی دارد. تجربه گذشته نشان می‌دهد که با اتکا به اتحاد ملی، اصلاحات اقتصادی ساختاری، شفافیت مالی و دیپلماسی فعال می‌توان اثرات منفی را کاهش داد. در عین حال باید توجه داشت که تکیه صرف بر راهکارهای کلی بدون اصلاح واقعی ساختارها و مقابله با فساد نتیجه‌ای جز تکرار چرخه تحریم و فشار نخواهد داشت. موفقیت در این مسیر نیازمند رویکردی ترکیبی است: اصلاح درونی، تعامل

منصور حقیقت پور:



ممکن نخواهد بود. تا زمانی که ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا است خیلی بعید است که تحریم‌ها لغو شود. با توجه به این مسأله موضوع مهم این است که راهکارهایی را پیدا کنیم که اثربخشی تحریم‌ها را کاهش دهیم. اگر بتوانیم اثربخشی تحریم‌ها را کاهش دهیم، طرف مقابل ممکن است در راهبرد خود تجدید نظر کند. اما اگر طرف مقابل ببیند که تحریم‌ها اثر دارد و به نتیجه مورد نظر می‌رسد، مشخص است که از سلاخی که در دست گرفته، دست نمی‌کشد. واقع بینانه این است که باید دورنمای ما این باشد که تحریم‌ها ادامه پیدا خواهد کرد». در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

بخواهد بر صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود تأکید کند در نهایت نیازمند تعامل با آژانس است، چرا که این همکاری می‌تواند بهانه‌ها را از دست آمریکا بگیرد. تصمیم درباره‌از سرگیری این تعامل نیز باید بر پایه محاسبه دقیق منافع و پس از رفع موانع امنیتی اتخاذ شود. ایران در شرایط کنونی باید از افتادن در دام دوگانه‌های افراطی مذاکره در هر شرایطی یا قطع کامل مذاکره پرهیز کند. راهبردی که بر پایه خردورزی و عملگرایی شکل گیرد ایجاب می‌کند هر جا منافع کشور اقتضا کرد وارد مذاکره شود و هر زمان که ضرورت نداشت با مقاومت هوشمندانه هزینه‌های طرف مقابل را افزایش دهد. مذاکره در این چارچوب نه ارزش ذاتی دارد و نه بار منفی و بلکه صرفاً ابزاری است در خدمت تأمین حداکثری منافع ملی ایران.

با توجه به شرایط اقتصادی مردم آیا می‌توان انتظار تاب‌آوری در مقابل فشارها و تحریم‌های بیشتر را داشت؟

مواجهه با شرایط فعلی و بازگشت قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد یک مسأله پیچیده، چندلایه و چندوجهی است. با توجه به تحولات بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی باید همه جنبه‌های این رویداد را با دقت بررسی کرد. دستگاه سیاست خارجی ایران نمی‌تواند در مواجهه با این شرایط صرفاً مشغول شورای امنیت سازمان ملل متحد شود. مادر سطح بین‌المللی باید اقداماتی را انجام دهیم که بتواند سیاست جمهوری اسلامی ایران را برای کشورهایی که احتمال می‌دهیم آمادگی اجرا نکردن قطعه‌نامه‌ها را دارند تبیین کند. برخی کشورها مانند هند، آفریقای جنوبی و برزیل ممکن است علناً شجاعت اعلام مخالفت با قطعه‌نامه‌ها را نداشته باشند اما در عمل بتوانند از اجرای آن خودداری کنند. باید با این کشورها وارد گفت‌وگو و مذاکره شد که حتی اگر نمی‌توانند مخالفت صریح با این قطعه‌نامه‌ها نشان بدهند، اما دست‌کم در عمل به این تحریم‌های ظالمانه تن ندهند. وجه دیگر قضیه در داخل کشور است که ضروری است اصلاحاتی در داخل کشور انجام شود تا تولید ملی تقویت شود. هیچ ابزاری قوی‌تر از تولید ملی برای مقابله با آثار تحریم‌های بین‌المللی وجود ندارد. با توجه به شرایط فعلی بعید است که ایران بتواند بار دیگر مانند سال ۱۳۹۵ این قطعه‌نامه‌ها را لغو یا تعلیق کند. چنین نتیجه‌ای دست‌کم در دوران حاکمیت دونالد ترامپ تا سه سال آینده ممکن نخواهد بود. تا زمانی که ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا است خیلی بعید است که تحریم‌ها لغو شود. با توجه به این مسئله موضوع مهم این است که راهکارهایی را پیدا کنیم که اثربخشی تحریم‌ها را کاهش دهیم. اگر ما بتوانیم اثربخشی تحریم‌ها را کاهش دهیم طرف مقابل ببیند که تحریم‌ها اثر خود تجدید نظر کند. اما اگر طرف مقابل ببیند که تحریم‌ها اثر دارد و به نتیجه مورد نظر می‌رسد مشخص است که از سلاخی که در دست گرفته است دست نمی‌کشد. واقع بینانه این است که باید دورنمای ما این باشد که تحریم‌ها ادامه پیدا خواهد کرد. مقاومت حداکثری در برابر فشار حداکثری به این معنا است که بتوانیم به جای شعار دادن تولید ملی را افزایش دهیم، رویکردهای تقابلی را در سیاست خارجی کاهش دهیم و به سمت رویکردهای تعاملی برویم و از همه مهم‌تر اینکه همکاری ما را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه دهیم.

منصور حقیقت پور:

تحریم‌ها و قطعه‌نامه‌های شورای امنیت در دیگ جلیلی پخت و پز شد

هاشمی، آقای لاریجانی و اخیر آقای قالیباف را تخریب کردند. آیا آقای ناطق به درد این کشور نمی‌خورد؟ هر کس با آقای هاشمی سلام و علیکی داشته، از دید آنان باید اعدام شود. حال آنکه تفکرات هاشمی کجا و نگاه کجا هم هستند. هدف تندروها منزوی کردن هم افراطی‌گری را گسترش دادند؛ موضوعاتی مانند حجاب، حمله به سفارتخانه و توهین به شخصیت‌ها. ببینید که چند باز حین سخنرانی سید حسن خمینی او را هور کردند؛ آن هم در حرم امام. واقعا رفتارهای زشتی از خود نشان دادند؛ به هر حال او یادگار امام است. امیدوارم روزی جمهوری اسلامی دادگاهی برگزار کند و به اقدامات اینها در آن دادگاه رسیدگی شود.

منظاره‌ای حتما می‌روم. بی‌تردید منظاره با آقای روحانی برای آقای جلیلی بسیار دشوار خواهد بود. این فعال سیاسی همچنین بیان کرد: آقای جلیلی و آقای احمدی نژاد در بسیاری از خطاهایش یک بوده‌اند و شریک گناه هم هستند. هدف تندروها منزوی کردن جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی بود. آنها با نگاهی آخرالزمانی می‌خواستند ایران فقط با چند کشور مانند عراق و سوریه ارتباط داشته باشد آنها در پی گسترش خشونت در داخل و خارج بودند. ببینید سابقه کسانی که سفارت‌ها را آتش زدند یا از دیوارشان بالا رفتند به چه کسی بازمی‌گردد؟ آیا به همین‌ها بازمی‌گردد؟ همین‌ها شخصیت‌های بزرگی چون آقای ناطق، آقای

گزارش

تهران واقعیت‌های منطقه را خواهد پذیرفت؟

درک هوشمندی حماس

خبر موافقت مشروط حماس با طرح پیشنهادی دونالد ترامپ، در روزهای اخیر در صدر اخبار رسانه‌های منطقه و جهان قرار گرفته است. واکنشی که پس از دهه‌ها مقاومت مسلحانه و مواجهه با بحران‌های مستمر غزه، نه به شکل پذیرش کامل بلکه به صورت «موافقت مشروط» ارائه شد و برخلاف انتظار با استقبال عجیب برخی رسانه‌های اصولگرا در داخل ایران نیز مواجه شد، اما واقعا پشت این رویکرد هوشمندانه چه پنهان است و ایران چه می‌تواند از آن بیاموزد؟ پاسخ حماس به طرح ترامپ را باید در بستر تحولات جاری غزه، فشارهای بین‌المللی و تغییرات معادلات قدرت در منطقه تحلیل کرد. کارشناسان و تحلیلگران منطقه‌ای بر این باورند که پاسخ حماس، اگرچه ظاهری تا کنیتیکی دارد، از هوشمندی سیاسی قابل توجهی برخوردار است. حماس توانست با این رویکرد، ضمن حفظ وجهه داخلی و مشروعیت مردمی، از فشارهای بین‌المللی و اقتصادی کاسته و فرصت‌هایی برای مذاکره و ایجاد تنفس کوتاه‌مدت اقتصادی و سیاسی برای نوار غزه فراهم کند. این نوع تصمیم‌گیری، که حتی جریان اصولگرای ایرانی را وادار به توصیف آن به عنوان «هوشمندانه» کرده، نشان می‌دهد که در عرصه سیاست منطقه‌ای، تاکتیک‌های انعطاف‌پذیر و واقع بینانه می‌تواند جایگزین مواضع خشک و مطلق شود.

ایران و ضرورت واقع بینی

پرسش اصلی اینجاست که ایران از این تجربه چه می‌تواند بیاموزد؟ تحولات اخیر غزه و پاسخ هوشمندانه حماس، یادآور آن است که منطقه خاورمیانه، به ویژه محور ایران، سوریه، لبنان و فلسطین، در حال تجربه تغییرات اساسی در معادلات قدرت است. تضعیف جایگاه حزب‌ا... لبنان و فشار برای خلع سلاح آن، تغییرات در روابط اعراب با اسرائیل و تلاش برای بازتعریف نقش حماس، همه نشان می‌دهد که شرایط منطقه‌ای دیگر آن ثبات گذشته را ندارد. کارشناسان معتقدند که ایران نیز باید با نگاه واقع بینانه و مبتنی بر تحلیل شرایط جاری، سیاست خارجی خود را بازبینی کند. پیگیری استراتژی‌هایی که بر اصول مطلق مقاومت تأکید می‌کنند، اما شرایط واقعی منطقه را نادیده می‌گیرند، می‌تواند تبعات خطرناکی به همراه داشته باشد. ایران در مواجهه با توافق مشروط حماس، فرصت دارد با درک واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غزه، همسویی تاکتیکی ایجاد کند و از فشارهای بین‌المللی بهره‌برد، بدون آنکه خطوط قرمز خود را فدای منافع کوتاه‌مدت نماید. عدم توجه به درس‌های چنین تحولاتی می‌تواند تبعات جدی داشته باشد. اگر ایران بر مواضع خشک و عدم انعطاف اصرار ورزد، ممکن است تابعیت قابل توجهی از جمله افزایش تنش‌های منطقه‌ای و بی‌ثباتی داخلی و خارجی مواجه شد و فرصت‌های دیپلماتیک را نیز از دست بدهد. روشن است که ناتوانی در هماهنگی تاکتیکی با گروه‌های فلسطینی و دیگر بازیگران منطقه‌ای، می‌تواند منجر به تقویت جریان‌های افراطی و کاهش نفوذ ایران شود. تداوم مشکلات اقتصادی که خود است ادای این توجهی به تاکتیک‌های هوشمندانه بروز بحران‌های گسترده اجتماعی و سیاسی باشد.

سناریوهای پیش روی ایران

با توجه به تحولات اخیر، چند سناریوی محتمل برای ایران وجود دارد: سناریوی واقع بینی و انعطاف: ایران با تحلیل دقیق شرایط حماس و منطقه، از فرصت‌های محدود برای ایجاد همکاری تاکتیکی بهره می‌برد. در این سناریو، تهران می‌تواند نقش خود را به عنوان بازیگر کلیدی منطقه تثبیت کند و از فشارهای بین‌المللی بکاهد. سناریوی انفعال و محافظه‌کاری: ایران بدون بازبینی سیاست‌های منطقه‌ای، مواضع سنتی مقاومت را ادامه می‌دهد. این سناریو ممکن است باعث کاهش نفوذ ایران در نوار غزه و تضعیف روابط با گروه‌های فلسطینی شود. سناریوی تهاجمی: ایران با نادیده گرفتن واقع بینی حماس و تمرکز بر اقدامات نظامی یا فشار سیاسی یک‌جانبه، ممکن است به افزایش تنش و تشدید بی‌ثباتی در منطقه منجر شود، که به نفع هیچ یک از طرف‌ها نخواهد بود. تحولات اخیر غزه و پاسخ حماس، هشدار ی روشن به ایران است. سیاست منطقه‌ای بدون تحلیل واقع بینانه و انعطاف تاکتیکی، به سرعت با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. پاسخ مشروط حماس به طرح ترامپ، حتی با نگاه محافظه‌کارانه کپهان، به عنوان «هوشمندانه» توصیف شده است، این خود نشان می‌دهد که اصولگرایان ایرانی نیز ناگزیر به شناخت ارزش تاکتیک‌های واقع بینانه هستند. ایران با استفاده از این الگو می‌تواند سیاست خارجی خود را بازبینی کرده و تعامل میان اصول مقاومت و انعطاف عملی در برابر بازیگران منطقه‌ای ایجاد کند. چنین رویکردی نه تنها به کاهش فشارهای منطقه‌ای کمک می‌کند، بلکه فرصت‌های دیپلماتیک و اقتصادی را برای ایران حفظ خواهد کرد. در نهایت، تحولات اخیر غزه و پاسخ حماس، یادآور آن است که هوشمندی و واقع بینی، نه نشانه ضعف، بلکه ابزار حیاتی برای حفظ جایگاه و نفوذ ایران در خاورمیانه پرچالش امروز است.